

با این حال در میان جامعه ایرانی داخل و خارج کشور، رویکرد یکسانی در قبال این مسئله وجود ندارد. گروهی به صراحت با این تصمیم دولت استرالیا موافق اند و معتقدند که این دسته از پناهندگان، در زمره افراد شامل قانون پناهندگی قرار نمی گیرند و حتی وجودشان به ضرر پناهندگانی است که در صفهای طولانی اداره مهاجرت برای رسیدگی به درخواست پناهندگی شان مانده اند.

به عنوان نمونه، یک ایرانی ساکن استرالیا می گوید: «کسانی که با قایق می آیند، بیشترشان پناهجو نیستند و حق بقیه پناهجوها را که قانونی اقدام کرده اند ضایع می کنند. چون وضعیت اورژانسی پیش می آورند، دولت مجبور است به آنها اولویت بدهد. من به شخصه کسانی را که با قایق می آیند حمایت نمی کنم. چون از مالیاتی که ما می پردازیم خرج آنها می کنند. آنها وضع شان بهتر از مایی است که قانونی آمده ایم. به نظر من کسی که زیر نظر سازمان ملل است، اولویت دارد به کسی که فقط دنبال شرایط بهتر برای زندگی است. پناهجوی واقعی نه راه پس دارد نه پیش و حتی ممکن است جانش هم در خطر باشد ولی آنهایی که با قایق می آیند، خودشان جان شان را به خطر می اندازند.»

در مقابل این ایرانی مهاجر، ایرانی دیگری هم هست که اعتقاد دارد: «کسی که از تمام وابستگی هاش دل کنده و خودش را در مسیر پرخطر پناهندگی آن هم از مسیرهای پر خطری مثل دریا قرار داده، حتماً پناهجوست و حتما به امید فردایی بهتر اقدام کرده، وگرنه سرچایش می نشست و زندگی اش را می کرد. خیلی از کسانی که با اقامت دانشجویی یا کاری از کشور خارج می شوند هم در واقع از شرایط ایران فرار می کنند و به کشور دیگری پناه می برند و به نوعی پناهنده هستند. حالا چون کنوانسیون پناهندگان در چهارچوبی خاص پناهندگی را تعریف می کند دلیل نمی شود بگوییم هر کس که خارج از این چهارچوب است پناهنده نیست.»

منتقدان این سیاست دولت استرالیا معتقدند که طبق آمار دولت استرالیا در سال ۲۰۱۱، تنها ۶ درصد از مهاجران با قایق وارد شده اند و بقیه از راه های به اصطلاح قانونی وارد این کشور شده اند. به ازای ورود هر مهاجر قانونی، هزاران دلار سود در همان بدو ورود عاید این دولت می شود. همینطور آن افراد نیازهای شغلی استرالیا را تأمین می کنند و باز سود هنگفتی نصیب این دولت می شود.

آنها را به جزیره نفرستید

در میان نهادهایی که به این تصمیم دولت استرالیا اعتراض کردند، تعدادی از ایرانیان هم با راه انداختن **یک پتیشن**، در تلاشند مخالفت خود را با این تصمیم اعلام کنند. در متن این طومار که آمده است: «دولت استرالیا در اقدامی تحریک برانگیز، با تصمیمی ضربتی مبنی بر انتقال پناهجویانی که از راه دریا رسیده اند (یا خواهند رسید) به گینه نو، سنوالات بسیاری را در مورد وجود حسن نیت، منطبق و بشردوستانه این کشور در اذهان عمومی برانگیخته است. این تصمیم نه تنها از وجوه انسانی غیر قابل پذیرش است، بلکه گواه ناتوانی دولت در ارائه راهکاری منطقی و عدم مسئولیت پذیری اش نسبت به سر نوشت انسان هایی رنج کشیده است که به هر دلیلی (ولو اقتصادی) به استرالیا به عنوان کشوری که به حقوق بشر احترام می گذارد پناه آورده اند.»

در متن این نامه، عکس العمل دولت جایگزین مناسب و قابل قبولی برای برگرداندن شرایط مهاجرت و اخذ پناهندگی به روش قانونی آن دانسته نشده، بلکه این اقدام عاملی برای رودررو قرار گرفتن نزادها و ملیت های مختلفی که در استرالیا به صورت مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی می کنند، تلقی شده است که وجهه سیاسی این کشور را خدشه دار خواهد کرد.

امضاکنندگان این طومار ضمن اعلام مخالفت صریح خود با اقدام این دسته از پناهجویان و نیز محکوم کردن بی قید و شرط عمل غیر انسانی قاچاقچیان، از دولت استرالیا خواسته اند که هرچه زودتر از تصمیم خود بازگردد و ضمن بررسی پرونده افرادی که تا به این لحظه به خاک استرالیا رسیده اند، «راهکاری بنیادین و انسانی» برای پیشگیری از چنین سفرهایی برگزیند.

در کنار ایجاد یک **صفحه فیس بوکی** با پنج هزار عضو و تلاش برای جمع آوری امضا علیه تصمیم دولت استرالیا، افراد در سراسر استرالیا تجمعاتی برگزار کرده اند، اما بنیان صفحه فیس بوک «فرستادن پناهجویان به گینه نو را متوقف کنید»، می گویند بیشتر افرادی که در این تجمعات شرکت داشتند یا به نحوی اعتراض شان را نشان دادند استرالیایی بودند، همان طور که بیشتر امضاکنندگان طومار اهل گینه نو هستند.

نیما که یکی از دستاورد کاران این اعتراض هاست، به زمانه می گوید: «من هم با این روش غیر قانونی قایق مخالفم و قبول دارم که اکثریت این افراد پناهجوی واقعی نیستند و بعد از اینکه شهروند یا مقیم استرالیا شدند، به ایران برمی گردند، ولی حتی اگر در هر قایق فقط یک نفر پناهجوی واقعی وجود داشته باشد که واقعاً هیچ راه دیگری برای رسیدن به حداقل شرایط یک زندگی انسان پیدا نکرده باشد، این قانون ناعادلانه است. ما وظیفه داریم در قبال این بی عدالتی واکنش نشان بدهیم. وقتی نگرش یک کشور نسبت به ما منفی شد، دیگر فرقی نمی کند کی، چطور رسیده اینجا. همه ما مزاحم و مفت خور محسوب می شویم. پس مخالفها و کسانی که همه را یک کاسه می کنند در نظر بگیرند که الان خودشان هم در معرض خطر قوانین سختگیرانه بعدی قرار دارند.»



در سال های گذشته موج جدیدی از پناهجویان از خاورمیانه راهی کشورهای پذیرنده پناهجو شده اند. بی ثباتی سیاسی و نظامی منطقه، جنگ های جاری، تهدیدهای خارجی، و بعضاً تحریم های بین المللی اقتصادی که مستقیماً قشر فرودست این جوامع را نشانه رفته و شرایط سخت ناشی از آن حتی تأمین زندگی روزمره را با خطراتی جدی روبه رو ساخته، دلیل اصلی این مهاجرت هاست.

خاص پناهندگی را تعریف می کند دلیل نمی شود بگوییم هر کس که خارج از این چهارچوب است پناهنده نیست.»

منتقدان این سیاست دولت استرالیا معتقدند که طبق آمار دولت استرالیا در سال ۲۰۱۱، تنها ۶ درصد از مهاجران با قایق وارد شده اند و بقیه از راه های به اصطلاح قانونی وارد این کشور شده اند. به ازای ورود هر مهاجر قانونی، هزاران دلار سود در همان بدو ورود عاید این دولت می شود. همینطور آن افراد نیازهای شغلی استرالیا را تأمین می کنند و باز سود هنگفتی نصیب این دولت می شود.

آنها را به جزیره نفرستید

در میان نهادهایی که به این تصمیم دولت استرالیا اعتراض کردند، تعدادی از ایرانیان هم با راه انداختن **یک پتیشن**، در تلاشند مخالفت خود را با این تصمیم اعلام کنند. در متن این طومار که آمده است: «دولت استرالیا در اقدامی تحریک برانگیز، با تصمیمی ضربتی مبنی بر انتقال پناهجویانی که از راه دریا رسیده اند (یا خواهند رسید) به گینه نو، سنوالات بسیاری را در مورد وجود حسن نیت، منطبق و بشردوستانه این کشور در اذهان عمومی برانگیخته است. این تصمیم نه تنها از وجوه انسانی غیر قابل پذیرش است، بلکه گواه ناتوانی دولت در ارائه راهکاری منطقی و عدم مسئولیت پذیری اش نسبت به سر نوشت انسان هایی رنج کشیده است که به هر دلیلی (ولو اقتصادی) به استرالیا به عنوان کشوری که به حقوق بشر احترام می گذارد پناه آورده اند.»

در متن این نامه، عکس العمل دولت جایگزین مناسب و قابل قبولی برای برگرداندن شرایط مهاجرت و اخذ پناهندگی به روش قانونی آن دانسته نشده، بلکه این اقدام عاملی برای رودررو قرار گرفتن نزادها و ملیت های مختلفی که در استرالیا به صورت مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی می کنند، تلقی شده است که وجهه سیاسی این کشور را خدشه دار خواهد کرد.

امضاکنندگان این طومار ضمن اعلام مخالفت صریح خود با اقدام این دسته از پناهجویان و نیز محکوم کردن بی قید و شرط عمل غیر انسانی قاچاقچیان، از دولت استرالیا خواسته اند که هرچه زودتر از تصمیم خود بازگردد و ضمن بررسی پرونده افرادی که تا به این لحظه به خاک استرالیا رسیده اند، «راهکاری بنیادین و انسانی» برای پیشگیری از چنین سفرهایی برگزیند.

در کنار ایجاد یک **صفحه فیس بوکی** با پنج هزار عضو و تلاش برای جمع آوری امضا علیه تصمیم دولت استرالیا، افراد در سراسر استرالیا تجمعاتی برگزار کرده اند، اما بنیان صفحه فیس بوک «فرستادن پناهجویان به گینه نو را متوقف کنید»، می گویند بیشتر افرادی که در این تجمعات شرکت داشتند یا به نحوی اعتراض شان را نشان دادند استرالیایی بودند، همان طور که بیشتر امضاکنندگان طومار اهل گینه نو هستند.



طبق آمار دولت استرالیا در سال ۲۰۱۱، تنها ۶ درصد از مهاجران با قایق وارد شده اند و بقیه از راه های به اصطلاح قانونی وارد این کشور شده اند. به ازای ورود هر مهاجر قانونی، هزاران دلار سود در همان بدو ورود عاید این دولت می شود. همینطور آن افراد نیازهای شغلی استرالیا را تأمین می کنند و باز سود هنگفتی نصیب این دولت می شود.

نیما که یکی از دستاورد کاران این اعتراض هاست، به زمانه می گوید: «من هم با این روش غیر قانونی قایق مخالفم و قبول دارم که اکثریت این افراد پناهجوی واقعی نیستند و بعد از اینکه شهروند یا مقیم استرالیا شدند، به ایران برمی گردند، ولی حتی اگر در هر قایق فقط یک نفر پناهجوی واقعی وجود داشته باشد که واقعاً هیچ راه دیگری برای رسیدن به حداقل شرایط یک زندگی انسان پیدا نکرده باشد، این قانون ناعادلانه است. ما وظیفه داریم در قبال این بی عدالتی واکنش نشان بدهیم. وقتی نگرش یک کشور نسبت به ما منفی شد، دیگر فرقی نمی کند کی، چطور رسیده اینجا. همه ما مزاحم و مفت خور محسوب می شویم. پس مخالفها و کسانی که همه را یک کاسه می کنند در نظر بگیرند که الان خودشان هم در معرض خطر قوانین سختگیرانه بعدی قرار دارند.»

نیما معتقد است: «همه ما شرایط اقتصادی ایران را می‌دانیم. می‌دانیم که یک کارگر اگر بخواهد شکم خودش و زن و بچه‌اش را با نان و تخم‌مرغ هم سیر کند، کم می‌آورد. کارگر هم قشری نیست که از خودش خانه و ماشین داشته باشد؛ پس باید خرج ایاب و ذهاب و تحصیل و لباس و اجاره و … را هم بدهد. آیا مسئله مالی، زندگی او را تهدید نمی‌کند؟ این همه تحصن و خودسوزی جلوی مجلس، گواه عمق فاجعه است. ولی اگر یک کارگر خودش را با قایق به استرالیا برساند و این‌ها را بگوید، می‌گویند ما پناهجوی اقتصادی قبول نمی‌کنیم و درجا دیپورتش می‌کنند. تحریم‌ها فشار را نه به دولت، که به مردم آورده. پس من حق می‌دهم که یکی اینطور از کشور بیرون بیاید تا نمیرد. حالا که تعداد اعضای صفحه این طومار در فیسبوک از پنج هزار نفر گذشته، با دیدن کامنت‌های اهالی گیتبه نو بیشتر مطمئن هستیم که این تصمیم غلط است و باید راه‌های مسالمت آمیزتری را برای مهار این وضعیت اتخاذ کند.»

تضاد قوانین با حقوق بشر

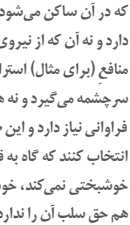
ماده ۱۳ بیانیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: «هر شخصی حق دارد در داخل هر کشور آزادانه رفت و آمد کند و اقامتگاه خود را برگزیند. همچنین هر شخصی حق دارد هر کشوری، از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خویش بازگردد.» استرالیا از جمله کشورهایی است که کنوانسیون بین‌المللی پناهجویان را امضا کرده است و خود را حامی حقوق بشر می‌داند.

شرایط پناهجویانی که خود را با قایق به استرالیا می‌رسانند، به یک تراژدی شبیه است. پرداخت هزینه‌های سنگین به «آدم‌پران‌ها»، آواردگی در اندونزی، سفر با قایق‌های کهنه و غیر استاندارد، سرگردانی روی آب برای روزهای طولانی و بدون آب و غذا و اقامت در بازداشت‌گاه‌های پلیس. اگر زنده به استرالیا برسند، تا زمان رسیدگی به درخواست‌شان نیز باید شرایط سخت را تجربه کنند. این افراد در زمان رسیدگی به پرونده نیز باید بتوانند اثبات کنند که مشکل جانی تهدیدشان می‌کند و خلاصه، در تمام ماه‌هایی که انتظار می‌کشند تا جواب بگیرند، یک برزخ واقعی را تجربه می‌کنند.

با در نظر گرفتن چنین شرایطی است که متین، یکی از مخالفان تصمیم جدید دولت استرالیا می‌گوید: «قبول که اکثراً این افراد پناهجوی سیاسی و اجتماعی نیستند و بعد به ایران رفت و آمد می‌کنند، ولی تعدادی هم هستند که راهی جز قایق نداشته‌اند. آیا باید تر و خشک با هم بسوزند؟ من مخالفم… ما مسئولیم. سکوت ما، اصلاً نشانه خوبی نیست. یک نفر این راه را آمده؛ آگاهانه یا ناآگاهانه. قرار نیست حبس ابد بکشد یا در جزیره نانورا مردم با قمه به جانش بیفتند. یا اینکه به جای مهاجرت به استرالیا، تبعید شود به گیتبه نو. این عمل دولت استرالیا بر ضد حقوق بشر است.»

متین معتقد است حزبی که این تصمیم را اجرایی کرده، برای اینکه بتواند در انتخابات دور بعد رای بیاورد این ژست را گرفته است. به اعتقاد او برای گرفتن حمایت از مردم، حالا ادعاهایی که خواسته و ناخواسته رنگ نژادپرستی به خود می‌گیرند مطرح می‌شوند: «دولت نمی‌تواند بگوید که برای کم کردن هزینه‌های نگهداری این پناهجوها این کار را کرده، چرا که در ازای فرستادن‌شان به جزایر گیتبه نو یا جاهای دیگر، به آنها پول هنگفتی پرداخت می‌کند و از طرفی مطمئناً راه‌های دیگری برای شروع نشدن این سفرها وجود دارد؛ ولی آن راه‌ها به نظر من و خیلی‌ها به لحاظ تبلیغاتی آنقدرها به نفع حزب کارگر نبود و سر و صدا نمی‌کرد. الان در حال حاضر هیچ فرد افغان، ایرانی یا سریلانکایی، به خاطر این قضیه حال خوشی ندارد. در رسانه‌ها همه‌اش در مورد این موضوع حرف می‌زنند و نظر عمومی خیلی نسبت به اسم این کشورها منفی شده.»

محمود صباحی، جامعه‌شناس و پژوهشگر دانشگاه لایپزیک آلمان می‌گوید: «قوانین امروز نسبت به حقایق جدید جهان عقب‌مانده‌اند؛ به ویژه درقبال مسئله مهاجرت. هر انسانی حق دارد که محل سکونت خود را در هر کنجای این جهان انتخاب کند؛ این باید تنها چشم‌انداز ما باشد. اصطلاحاتی مثل پناهجو، توهین‌آمیز و نادرست و قدیمی‌اند چرا که جهان امروز به کسی پناه نمی‌دهد، بلکه از او و از کار و از حضور او به روش‌های متفاوت سود می‌برد. هیچ سرزمینی منتی بر هیچ انسانی	
که در آن ساکن می‌شود ندارد. زمین و چه بسا جهان به همگان تعلق دارد؛ استرالیا نه زمین کم دارد و نه آن‌که از نیروی کار بی‌نیاز است. این قوانین و این رفتارها بیش از آن که در راستای منافع (برای مثال) استرالیا و مردم آن باشد، بیشتر از گونه‌ای رفع مسئولیت دولت استرالیا سرچشمه می‌گیرد و نه هیچ چیز دیگر. طی کردن راه‌های قانونی مهاجرت به امکانات مالی فراوانی نیاز دارد و این طبیعی است که افرادی از سر ناداری و عدم استطاعت ناگزیر راهی را انتخاب کنند که گاه به قیمت جان‌شان تمام می‌شود؛ همین که کسی در کشور خود احساس خوشبختی نمی‌کند، خودبه‌خود دارای حق طبیعی مهاجرت می‌شود و هیچکس و هیچ قانونی هم حق سلب آن را ندارد.»	
ماده ۱۳ بیانیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: «هر شخصی حق دارد در داخل هر کشور آزادانه رفت و آمد کند و اقامتگاه خود را برگزیند. همچنین هر شخصی حق دارد هر کشوری، از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خویش بازگردد.» استرالیا از جمله کشورهایی است که کنوانسیون بین‌المللی پناهجویان را امضا کرده است و خود را حامی حقوق بشر می‌داند.	



واپس با آب‌های تاریک

رسانه‌های ایران در ماه‌های اخیر و به ویژه پس از انتشار اخبار غرق شدن قایق‌های حامل پناهجویان ایرانی و تصویب قانون جدید دولت استرالیا، تلاش کرده‌اند گزارش‌هایی از وضعیت خطرناک این شیوه از مهاجرت و خطرهای آن منتشر کنند، اما در میان این گزارش‌ها، کمتر اشاره‌ای به شرایط نامساعدی شده که ایرانیان را وادار به چنین تصمیم‌هایی می‌کند.

به عنوان مثال در گزارشی که **روزنامه جام‌جم** در این زمینه نوشته، بیش از هر چیز تلاش شده مجازات‌های خروج غیر قانونی از کشور مطرح شود و جز اشاره‌ای کوتاه به جست‌وجوی زندگی بهتر از سوی پناهجویان، نکته دیگری مطرح نشده است. ایسنا نیز در چند گزارش، شرایط نامطلوب مهاجران در اردوگاه‌ها را **به تصویر کشیده**، اما اشاره‌ای به عوامل خروج این دسته از ایرانیان از کشور نمی‌کند. در **گزارش دیگری** از این خبرگزاری، تنها به قاچاقچیان و رفتار آنها با مهاجران پرداخته شده، اما اشاره‌ای به زمینه‌های داخلی این جریان نشده است.

روایت ایرانیانی که روی آب‌های بیکران اقیانوس خظر می‌کنند، تنها در اخبار تلخ مرگ و بازگشت اجباری رسانه‌ها نیامده. ایمن انصاری، نویسنده مقیم استرالیا، رمان «والس با آب‌های تاریک» را بر اساس این تجربه‌ها نوشته است: «بحث پناهجو‌هایی که با قایق می‌آیند (فارغ از ایرانی بودنشان) از اولین چیزهایی بود که با ورودم به استرالیا با آن رو به رو شدم. استرالیا یک کشور به شدت مهاجرپذیر است و تلاش دارد جوی بینافرهنگی داشته باشد. در آن زمان تا جایی که من یادم هست استرالیایی‌ها در حال یکجوره مبارزه با نژادپرستی بودند (هنوز هم هستند) و خیلی‌هاشان، مخصوصاً آنها که طرفدار حزب کارگر بودند، سعی داشتند از سیاست‌های حمایتی دولت جولیا گیلارد در قبال مهاجران غیرقانونی دفاع کنند. به هر حال حزب لیبرال قطعاً سخت‌گیرانه‌تر با اینجور مهاجران برخورد می‌کرد. به مرور فهمیدم قسمت عمده‌ای از اینها ایرانی هستند و نظرم جلب شد. تازه رمان قبلی‌ام را تمام کرده بودم و توی ذهنم دنبال پروژه جدید می‌گشتم. گفتم شروع کنم به تحقیق که اگر شد داستانی بر اساس زندگی و ماجراجویی اینها بنویسم، شاید کمکی هم باشد به ایجاد شناخت بیشتر از موقعیت‌های وحشتناک انسانی و سیاسی که این دسته از مهاجران تحمل می‌کنند و از آن می‌گذرند.»

دوسال پس از نوشته شدن این زمان و در شرایطی که این نویسنده اثرش را به ناشر سپرده است، بار دیگر موضوع پناهندگانی که با قایق سفر می‌کنند، به موضوع داغی هم بدل شده. امین انصاری با بسیاری از این مهاجران مصاحبه کرده است: «برای شروع یکی، دو نفر را که حالا در ادلاید زندگی می‌کردند و سال‌ها پیش تجربه آمدن با قایق را پشت سر گذاشته بودند، پیدا کردم و نشستیم به صحبت و مصاحبه. به

مرور اطلاعاتم تکمیل‌تر شد و در خواست دادم برای بازدید از یکی از بازداشتگاه‌هایی که این پناهجو‌ها را تا زمان مشخص شدن رای دادگاه در آنجا نگه می‌داشتند. خود بازداشتگاه جای خیلی باصفایی بود، اما آدم‌هاش که دهن باز می‌کردند، خودت را وسط میدان جنگ پیدا می‌کردی. از این گذشته، رقم توی اینترنت گشتم و فرم‌هایی را پیدا کردم که هم اطلاعات در مورد این سفرها می‌دادند و هم آدم‌پران‌ها برای خودشان تبلیغات می‌کردند که مثلاً در فلان ساعت حرکت می‌کنیم و دو، سه نفر جا داریم... عضو چندتاشان شدم و رقم بین مباحثات‌شان. گهگاه بحث‌هایی هم بین کسانی که تجربه‌های تلخ داشتند و آدم‌پران‌ها یا نماینده‌هایشان شکل می‌گرفت که برای من منبع الهام بودند. بعد از صحبت با ده‌ها پناهجو، مدکار اجتماعی و خود استرالیایی‌ها، شروع کردم به نوشتن و سعی کردم تلخی داستان را بر اساس واقعیات و در قالب داستان ارائه کنم.»

در «والس با آب‌های تاریک» که قرار است تا اواسط آگوست از سوی نشر نوگام با حمایت مالی ۳۶ نفر به رایگان و به شکل قابل استفاده برای ای بوک‌ها و پی‌دی‌اف منتشر شود، نویسنده روایت‌های گوناگونی از این مهاجران غیرقانونی گرد آورده است. او در ارزیابی انگیزه گروه‌هایی که دست به این شیوه از مهاجرت می‌زنند به زمانه می‌گوید: «موارد پناهندگی معمولاً سیاسی، اجتماعی یا مذهبی هستند. اما واقعا تعداد مواردی که بنا به مصلحت ساخته می‌شوند تا پناهندگی اخذ شود زیاد است و در برخی موارد غیر قابل تشخیص است که چه کسی راست می‌گوید. مهم‌ترین چیز برای آنها این است که یک داستان خوب برای طی کردن مراحل مختلف و مصاحبه‌ها داشته باشند. بعضی‌ها با داستان از کشور راهی می‌شوند، بعضی‌ها در اندونزی، بین راه و با توجه به تجربه دیگران و موارد قابل پذیرش روز داستان‌شان را می‌سازند، بعضی‌ها هم روی قایق این کار را می‌کنند. بعضی‌ها هم که واقعا مسئله دارند. داستان‌های عمده آنها شامل غرق شدن بستگان یا هم‌قایق‌ها، کمبود آب و غذا، سرگردان شدن در آب‌ها، یا از کار افتادن موتور قایق است. این افراد عموماً از طبقه پایین جامعه چه به لحاظ مالی و چه به لحاظ سطح سواد هستند و به دنبال یک زندگی بهتر این راه را انتخاب می‌کنند. راهی که اگر نباشد احتمالاً با موقعیت آنها هیچ شانس دیگری برای زندگی کردن در کشوری مثل استرالیا برایشان باقی نمی‌ماند.»

تهدید دولت‌ها، احتمال واژگون شدن قایق و سرگردانی در دریاها یا حتی تبعید اجباری به گینه نو، هیچ‌کدام هنوز توانسته انگیزه مهاجران غیرقانونی را برای خروج از کشور کمتر کند. حتی منتشر شدن خبر مرگ کودکان خردسال در این قایق‌ها و تاکید بر سرنوشت مردان و زنانی که با فروش دار و ندار خود، سرنوشت‌شان سرگردانی در آب‌های اقیانوس یا اسارت در جزایر سرگردانی است، میل ایرانیان را به خروج از کشور به هر قیمتی کم نکرده است. این مردان و زنان گویا مرگ را به آینده نامشخص زندگی در ایران ترجیح می‌دهند، چیزی که انگار از چشم دولت‌مردان ایران به عمد نادیده گرفته می‌شود.

مطلب را به بالاترین بفرستید: 

دسته بندی‌ها: جامعه، جامعه و حقوق، حقوق
کلیدواژه‌ها: استرالیا، ایرانیان، مهاجران غیرقانونی، تبعیض دوستدار، پناهندگی، گینه نو



۱. ایشان نوشته: «.....تهدیدهای خارجی و تحریم‌های بین‌المللی اقتصادی زندگی روزمره ساکنان این منطقه را با خطراتی جدی روبرو ساخته و دلیل اصلی مهاجرت آنهاست.....»
خبر خواهر، دیکتاتوری جهل و خرافاتی متعلق بقرون وسطی و غاصب ثروت ملی، مثل حکومت ایران دلیل اصلی فرار ساکنین یک کشور میشود.

۱۸ / مرداد ۱۳۹۲

۲. مطلب بسیار خوبی بود. سیاست

علی اوغازیان / ۱۹ مرداد ۱۳۹۲

3. برای کسی که انقدر از جانش سیر شده گینه نو با استرالیا نباید چندان فرقی داشته باشد. متأسفانه این افراد با ورود غیر قانونی و ازین بردن عمدی مدارکشان حتی حق چک کردن سوابقشان را از دولت استرالیا میگیرند. اگر یک قاتل یا مواد فروش یا متجاوز و... در میان این افراد باشد چگونه باید شناسایی شود؟ اگر واقعا پناهجو هستند چرا مدارکشان را نابود میکنند و دروغ میگویند؟ عملکرد غیر قانونی و سودجویی این افراد از قوانین کشور استرالیا را نمیتوان زیر کلمات و اندیشه های ظاهراً بتر دوستانه پنهان کرد.

19 / احمد مراد ۱۳۹۲

4. گرچه آمار به روز و دقیقی از مدال‌آوران ایرانی که از کشور مهاجرت کرده‌اند، به فرض وجود، منتشر نمی‌شود ولی با جستجوی ساده می‌توان دید که به تقریب بیش از ۸۵ درصد صاحبان مدال طلای المپادهای بین المللی هم اکنون در خارج از کشور به سر می‌برند. برای مثال تیم شش نفره ایران در سال ۱۳۷۷ در المپاد جهانی ریاضی توانست پنج مدال طلا و یک نقره را بدست آورد ولی سهم ایران از این مدال آوران فقط یک نفر بود و باقی امروز در کشورهای سوئیس، فرانسه، کانادا و آمریکا کار و زندگی می‌کنند.!

20 / امید مراد ۱۳۹۲

5. استرالیا ، کانادا ، نیوزلند و بقیه کشورهای مهاجر پذیر فقط فقط دنبال افرادی می گردند که به نوعی به پیشرفت جامعه خود چه مادی و چه علمی و فنی و مالی کمک کنند . هیچ کشوری که صاحب و حساب و کتاب داشته باشد ، نظر نکرده منابع خود را مفت و مسلم در اختیار افرادی پناه جویی بگذارد که اکثریت مطلق آنان :
۱- از حداقل لازم دانش برای انجام یک کار تخصصی بی بهره هستند .
۲- هیچ سرمایه ای ندارند و از برآوردن ابتدایی ترین نیاز های خود هنگام رسیدن به سرزمین مقصد عاجزند .
۳- دانش زبان و به دنبال آن قابلیت ارتباط آنان با جامعه جدید در حد صفر است .
۴- در بسیاری موارد از نظر فرهنگی با جامعه مقس بسیار متفاوتند .
حقوق بشر و موارد انسان دوستانه هم حرف مفت است .
دور نیست زمانی که همین استرالیا و کشورهای مشابه کیلومترها و کیلومترها دور تر از ساحل با رنجبار مسلسل و موشک از قایقهای پناهجویان پذیرایی کنند .

20 / مراد ۱۳۹۲
Trackbacks

1. اعتصاب غذای فعالان مدنی پناهجو در ترکیه

⚠ توجه: کانت‌های توهین‌آمیز منتشر نمی‌شوند. کانت‌های حاوی لینک به عنوان "اسپم" شناخته می‌شوند.

نام (الزامی)

پست الکترونیکی (الزامی)

پارسی

ارسال نظر

تمامی حقوق برای رادیو زمانه محفوظ است. ۲۰۱۴-۲۰۰۶

